

روند گفتمان سازی سبک زندگی رهبر الهی در جامعه (با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب^{مدظله العالی})

علیرضا صداقت*

محمدعلی رضایی اصفهانی**

چکیده:

سبک زندگی رهبران الهی در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت است و الگویی مناسب برای تمامی افراد جامعه اسلامی است. در مدل گفتمان سازی سبک زندگی رهبر الهی تا گفتمان غالب جامعه گردد، نخست، ارزشمندی موضوع گفتمان شناسانده می‌شود، سپس تلاش می‌شود آن ارزش با استفاده از سه راه حکمت، موعظه و مجادله - که همگی در راستای تبیین عالمانه منطقی سخن است - به معرفت عمومی تبدیل گردد، آنگاه، با ایجاد دغدغه و به فکر واداشتن افراد، آن معرفت به فکر رایج و باور عمومی بدل شود، در گام بعدی، با استفاده از مسیریابی چشمه‌ای و ایجاد یک جریان فکری در جامعه به دست نخبگان و خواص و اندیشمندان جامعه، تغییر در رفتار آحاد جامعه زمینه‌سازی شود و از دل آن باور، رفتاری ویژه بچشد و در نهایت، این رفتارهای ویژه، با تأکید و تکرار، بدل به فرهنگ اجتماعی گردد. راهکارهایی که برای فراگیر شدن یک گفتمان در سطح جامعه پیشنهاد می‌شود عبارت است از: ارائه تعریف واضح، بهره‌گیری از معانی هم‌تراز، واژه‌سازی، نهادسازی، شاخص سازی کیفی، معرفی افراد شاخص، پاسخگویی به گفتمان‌های معارض، استمرار در انتقال پیام، ارائه منطق مستحکم انقلاب، استفاده از مشارکت عمومی در خلق پیام و اقدام نامتقارن. روش تحقیق در این پژوهش توسعه‌ای است و روش گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات در آن توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: گفتمان سازی، سبک زندگی، رهبر الهی، مسیریابی چشمه‌ای، واژه‌سازی، شاخص سازی، جنگ نامتقارن.

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) و دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول)
Sedaghatnoor@gmail.com

** استاد گروه قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

(۱) بیان مسئله

جامعه، چونان فرد، هویت مستقل دارد و رهبر الهی - که وظیفه هدایت جامعه را بر عهده دارد - به عنوان رهبر الهی، سبک زندگی ویژه‌ای دارد که می‌تواند الگویی مناسب برای جامعه اسلامی باشد. پیروی از سبک زندگی رهبر الهی و الگوگیری از آن، تنها چاره برای رهایی از معضلات فردی و اجتماعی است. بی‌تردید، گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی در جامعه و همه‌گیر شدن آن روندی رو به رشد برای جامعه به سوی کمال و صلاح است. روند تبدیل سبک زندگی رهبر الهی به گفتمان رایج در جامعه اسلامی چیست؟

فرضیه پژوهش این است که روند گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی شامل دو مرحله تولید معرفت و انتقال معرفت است؛ مرحله تولید معرفت ناظر به نظریه‌پردازی در حوزه مفهوم و معرفت و ایجاد نظام معنایی بر اساس مفهوم‌سازی، واژه‌سازی و ارائه تعریف واضح و مدل مفهومی گفتمانی معرفت موردنظر است و مرحله انتقال معرفت، ناظر به بهره‌گیری از شیوه‌ها و ابزارهای انتقال مفاهیم و تبدیل آن‌ها به معرفت و باور و درنهایت، ظهور و بروز آن در رفتار است.

با بررسی صورت گرفته در منابع و با مراجعه به پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی و پایگاه نور مگز و مگ ایران پژوهش‌های محدودی درباره موضوع سبک زندگی رهبر الهی انجام گرفته که از این میان می‌توان به پایان‌نامه آقای خالقی‌پور با عنوان «سبک زندگی رهبر الهی از منظر قرآن» اشاره کرد. نویسنده در این پایان‌نامه تلاش کرده سبک زندگی رهبر الهی را با تأکید بر زندگی رسول خدا ﷺ در قرآن و در دو عرصه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهد که تنها به دنبال ارائه الگو در این زمینه است، این در حالی است که مقاله پیش رو می‌کوشد روند تبدیل شدن زندگی یک رهبر الهی را به گفتمان رایج در جامعه، مورد ارزیابی قرار دهد.

همچنین در مقاله آقای بهرام اخوان کاظمی با عنوان «نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلا و کاربرد آن در سیاست»، نویسنده در صدد برآمده تا گفتمان‌های انقلاب اسلامی را تبیین نماید، این در حالی است که نوشتار حاضر به همه‌گیر شدن سبک زندگی رهبر الهی در جامعه می‌پردازد. محمد شبدینی پاشاکی و همکارانش هم در کتاب «گفتمان‌سازی بر اساس آموزه‌های دینی؛ شیوه‌ها و ابزارها» به بررسی بعضی از شیوه‌های گفتمان‌سازی بر اساس آموزه‌های دینی پرداخته و در صدد تبیین روند گفتمانی سبک زندگی رهبر الهی نبوده‌اند.

گفتنی است که در عرصه سبک زندگی اسلامی کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده که با ارزیابی صورت گرفته از آن‌ها می‌توان مهم‌ترین نقص موجود در میان این آثار را عدم توجه به سبک زندگی رهبر الهی دانست که مورد غفلت قرار گرفته است؛ اما این

مقاله حاضر می‌کوشد با نگاه به سبک زندگی رهبر الهی، روند تبدیل آن به گفتمان رایج در جامعه را مورد بررسی قرار دهد.

با توجه به محدودیت اثر علمی مستقل در راستای موضوع مورد پژوهش، نگارنده کوشیده از لابه‌لای متون نگاشته شده در باب گفتمان‌سازی و سبک زندگی و نیز با تأمل در سخنان رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی مدلی مفهومی و روندی منطقی از گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی در جامعه فراهم و عرضه نماید. مشکل دیگر نوپدید بودن مفهوم گفتمان در ادبیات انقلاب اسلامی است که با مفهوم گفتمان در ادبیات غرب تفاوت مبنایی دارد. لذا، روند معمول گفتمان‌سازی در ادبیات مدیریت را نمی‌توان در روند گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی به‌کار بست.

امید است بیان روند این گفتمان‌سازی و مدل پیشنهادی آن در این نوشتار، در طرح‌ریزی خط‌مشی مناسبی برای متصدیان و مجریان فرهنگی جامعه مفید افتد.

۲) مفهوم‌شناسی

الف) گفتمان

واژه گفتمان^۱ - که اولین بار داریوش آشوری آن را در ترجمه واژه «Discourse» جعل کرده است - در زبان فارسی اسم مصدر بوده و به‌معنای گفتگو و مباحثه آمده است (انوری ۱۳۸۱، ۶، ۶۱۹۹). اصطلاح گفتمان، اولین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله تحلیل گفتمان نوشته «زلیک هریس»^۲ به‌کار رفت. (جعفری ۱۳۸۹، ۶۶) البته، گفتمان در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه خود، اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند معروف فرانسوی امیل بنونیست^۳ به‌کار گرفته شد و رواج یافت (کریاسچیان ۱۳۹۶).

در زبان‌شناسی، مطالعه زبان در سطح بالاتر از جمله را گفتمان می‌گویند (کلانتری ۱۳۹۱، ۸). فرکلاف^۴ گفتمان را مجموعه به هم تافته‌ای از سه عنصر عمل [کردار] اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و [خود] متن می‌داند و معتقد است تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بعد و روابط میان آن‌ها را طلب می‌کند. فرضیه او این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد (محسنی ۱۳۹۱، ۶۶).

1. Discourse
2. Zellig Harris.
3. Émile Benveniste.
4. Fairclough.

در این میان، فلسفه نیز در شکل‌گیری نظریه گفتمان سهم تعیین‌کننده‌ای داشته، به‌گونه‌ای که ویتگنشتاین متأخر جهان را به زبان تقلیل داد و معنا را به بازی‌های زبانی و اشکال زندگی و طرق بازی زندگی روزمره تحویل کرد. وقتی معنا منوط به بازی زبانی شد، معانی نیز متکثر می‌شوند و در واقع، همه‌چیز به زبان تبدیل می‌شود و انسان‌ها با زبان می‌توانند موقعیتی را پدید آورند که گویی کاری انجام داده‌اند و می‌توانند سبب تغییر جهان واقعی شوند. وقتی زبان به اصلی‌ترین مسئله در تمام جریان‌های فکری تبدیل شد و زبان تمام مسائل را دربرگرفت، همه‌چیز به گفتمان بدل می‌شود (ر.ک: همان، ۵۴).

میشل فوکو^۱ نیز که نقش بسزایی در گسترش مفهوم گفتمان دارد، نه‌تنها تعریف صریحی در این خصوص ارائه نمی‌دهد، بلکه خود به تفاوت‌های کاربرد واژه گفتمان و تعاریف متناسب با آن اذعان داشته و می‌گوید:

به نظرم به‌جای کاستن از ابهام گفتمان، بر معانی آن افزوده‌ام؛ آن را گاهی حیطه کلی همه‌گزاره‌ها یا احکام تلقی کرده‌ام، گاهی به‌عنوان مجموعه قابل‌تمایزی از احکام و گاهی به‌مثابه رویه ضابطه‌مندی که شماری از احکام را توضیح می‌دهد (همان، ۱۲).

از نظر لاکلاو و موفه، گفتمان هم عناصر زبانی و هم عناصر غیرزبانی را دربردارد. در نزد این دو گفتمان صرفاً ترکیبی از گفتار و نوشتار نیست، بلکه گفتار و نوشتار خود اجزای کلیتی گفتمانی فرض می‌شوند. به بیانی دیگر گفتمان مجموعه‌ای معنی‌دار از علائم و نشانه‌های زبانی و فرازبانی است (قجری و نظری ۱۳۹۲، ۵۱).

از آنچه گفته شد برمی‌آید که گفتمان در ارتباط با زبان، جامعه و معنا است؛ اما آنچه فضای بحث را کمی عوض می‌کند و اندکی غافلگیرکننده است تغییری است که در رویکرد به واژه «گفتمان» به سبب ورودش در حیطه اصطلاحات سیاسی رخ داده است. کسی که این تغییر رویکرد را رقم زد رهبر معظم انقلاب^{مدظله‌العالی} است.

در این رویکرد، مراد از گفتمان همه‌گیرشدن یک ارزش و یک معرفت در برهه‌ای از زمان است (ر.ک: مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۹/۲۲)، به طوری که آن معرفت مورد اقبال همگان قرار گیرد و همه به آن توجه کنند. (ر.ک: مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

این تعریف از «گفتمان»، تعریف برگزیده نگارنده است، به سبب آنکه به‌جای توجه به نحوه گفتمان در تعریف آن به‌غایت گفتمان اقبال شده است و معیاری مشخص برای مفاهیمی که گفتمان روز جامعه‌اند با آن‌ها که چنین نیستند به دست می‌دهد.

ب) گفتن‌سازی

در رویکرد جدیدی که به واژه «گفتن‌مان» شده، دیگر اثری از تعبیر «تحلیل گفتن‌مان» نیست. گویی واژه گفتن‌مان جعل مجدد شده و موجی به راه انداخته است. در این رویکرد، با تعبیر گفتن‌سازی و روند آن روبرو هستیم.

گفتن‌سازی به معنای فراگیر کردن و عمومیت بخشیدن به یک مفهوم، معرفت و اندیشه در بین مخاطبان است؛ به گونه‌ای که به سبب فضای فکری به وجود آمده، همه در آن فضا فکر می‌کنند و می‌اندیشند، درباره آن با یکدیگر حرف می‌زنند و تبادل گفتار و معنا می‌کنند، جهت‌گیری می‌کنند، به آن معتقد می‌شوند و طبق آن رفتار می‌کنند و نسبت به آن مطالبه‌گری می‌کنند و سبب تولد و توسعه دانش‌ها می‌شوند (ر.ک: مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۲/۱۴ و ۱۳۹۰/۷/۱۳).

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در بیان روند گفتن‌سازی و ثمره آن می‌فرماید:

این گفتن‌سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند. فرهنگ صحیح، معرفت صحیح، در مواردی بیدارباش، در مواردی هشدار؛ این‌ها کارکردهای تبلیغ است؛ آثار و نتایجی است که بر تبلیغ مترتب می‌شود (مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

ج) سبک زندگی

تعریف‌های گوناگونی در کلام متفکران و پژوهشگران مسلمان در خصوص سبک زندگی دیده می‌شود که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست، اگرچه محققان اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه تمایز قائل می‌شود (فاضلی ۱۳۸۲، ۸۳).

- الگویی همگرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی و وضع‌های اجتماعی و دارایی‌هایی که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. یا به اختصار: سبک زندگی الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است (مهدوی کنی ۱۳۸۷، ۷۸).

- الگوی زندگی فردی که در فعالیت‌ها، دل‌بستگی‌ها و افکار شخصی، خود را نشان می‌دهد (شوشتری‌زاده ۱۳۸۲، ۸۴).

- نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد؛ این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد (شریفی ۱۳۹۱، ۱۴۶).

- مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به‌منظور تأمین نیازها و احتیاجات روزمره خود به‌کار می‌گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت آن فرد است (همان).

- شیوه‌ای نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند (کاویانی ۱۳۹۱، ۱۶).

- منظور از سبک روشی است که یک انسان در رفتار و کردار خود به‌کار می‌گیرد (ر.ک: مطهری بی‌تا، ۱۶، ۵۳) و منظور از سبک زندگی سیره و روش چگونه زیستن است که تابع تفسیر ما از زندگی است. هر هدفی که ما برای زندگی معین و ترسیم می‌کنیم، به‌طور طبیعی متناسب با خود یک سبک زندگی برای ما پیشنهاد می‌دهد (ر.ک: مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۷/۲۳).

با توجه به این بیان‌ها و تعاریف می‌توان فهمید:

یک سبک زندگی اسلامی از آن جهت که سبک است به رفتار می‌پردازد و با عقاید و شناخت و عواطف ارتباط مستقیم ندارد، اما از آن جهت که اسلامی است نشان از عمق باورها دارد، نگرش فرد را به هستی و به زندگی مشخص می‌کند و بازتاب عواطف اسلامی او است. (دو سبک زندگی اعم از بعد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی است و حوزه‌های رفتاری فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در برمی‌گیرد).

سه سبک زندگی عین تک‌تک رفتارها نیست، بلکه الگویی همگرا و کلیتی انتزاعی از رفتارهایی نظام‌مند است. پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بر این اساس، می‌توان سبک زندگی اسلامی را این‌گونه تعریف کرد:

مجموعه‌ای منظم از رفتارهای برآمده از معرفت‌ها و باورهای اسلامی که عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را در برمی‌گیرد.

د) رهبر الهی

رهبر (leader) (آریان‌پور ۱۳۸۵، ۱، ۱۲۹۲) به‌معنای «راهبر»، «قائد»، «دال»، «راهنما»، «رهنما»، «هادی»، «پیشرو»، «پیشوا» و «امام» آمده است. (دهخدا ۱۳۷۷، ذیل واژه رهبر) «ساییدن‌برگ»^۱ و «سنودوسکی»^۲ (۱۹۷۶) «رهبر» را عضو گروهی دانسته‌اند که بیش از هرکس بر اعضای دیگر گروه نفوذ دارد (پارسا ۱۳۸۳، ۳۰۹).

1. Seidenberg.

2. Synvdsky.

«رهبر و رهبری» در فرهنگ دینی همانند واژه‌های «امام و امامت» است. راغب اصفهانی کلمه «امام» را این‌گونه معنا می‌کند:

امام عبارت است از آنچه پیرویش کنند، خواه انسان باشد که گفتار و کردارش را پیروی کنند خواه کتاب باشد و خواه هر چیز دیگر و نیز تفاوت نمی‌کند که آنچه پیروی شده است حق باشد یا باطل (راغب اصفهانی ۱۳۷۸ ق، ۸۷).

اهمیت رهبر تا حدی است که برخی لغت‌نویسان واژه «امه» را در مقابلش قرار داده‌اند:

رجل جامع لِلْخَيْرِ يُقْتَدَى بِهِ؛ [مراد از امت] مردی که جامع امور خیر است به گونه‌ای که به او اقتدا می‌شود (طریحی ۱۳۷۵، ۶، ۱۳).

چنان‌که همین معنا در تفسیر آیه «إِنَّ اِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَّم يَكُ مِنَ الْمَشْرِكِينَ (نحل، ۱۲۰)؛ همانا، ابراهیم رهبری مطیع و در راه حق بوده و از مشرکان نبوده است.» به‌عنوان یکی از احتمالات تفسیری برای این واژه نقل شده است (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۲، ۳۶۸).

در آموزه‌های دینی، رهبر الهی همان ولیّ خدا است که نه تنها رفتارش، بلکه تقریرش نیز می‌تواند - بلکه باید - الگو باشد؛ اما آنچه در این نوشتار مدنظر است عصمت رهبر الهی نیست؛ بلکه مراد امامت و رهبری در حیطه جامعه بشری است که جامعه را به سوی نظام حق و جامعه ارزشی می‌کشاند. پس تعبیر مرکب «رهبر الهی» اشاره به شخصی دارد که هنر، علم و توان به‌کارگیری صحیح افراد و امکانات برای وصول به اهداف عالیّه آیین و مذهب الهی را داشته باشد.

۳) مدل گفتن‌سازی در سبک زندگی رهبر الهی

چنان‌که بیان شد، مراد از گفتن‌سازی همه‌گیر شدن یک مفهوم و یک معرفت در برهه‌ای از زمان است، به طوری که آن معرفت مورد اقبال همگان قرار گیرد و همه به آن توجه کنند. گفتن‌سازی نیازمند «آگاهی به ارزش» با تصویرسازی صحیح، «تبدیل آگاهی به معرفت عمومی» با تبیین لازم عالمانه و منطقی، «تبدیل معرفت به باور عمومی» با تفکر و تعقل و اندرزی نیکو و زبانی خوش و «تبدیل باور به رفتار» با ارائه الگوی عملی و «تبدیل رفتار به فرهنگ» با استمرار و تأکید بر مراحل پیشین و مطالبه‌گری است که به‌واسطه آن، ارزش مدنظر در جامعه هدف به گفتن‌سازی غالب تبدیل شده، همت و عزم آن‌ها را راسخ کند و زمینه را برای تحقق ارزش و اندیشه فراهم سازد (ر.ک: مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۹/۲۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

فرآیند گفتمان سازی را می توان به صورت زیر طراحی نمود:^۱



برای تبیین این روند، محض نمونه، گفتمان سازی معنویت در سبک زندگی رهبر الهی در چهارچوب این فرآیند ارائه می شود:

اولین گام در گفتمان سازی، شناساندن، تابلو کردن و بر سر دست بلند کردن ارزش هاست تا جامعه هدف فهم و درک صحیحی از ارزش ها پیدا کرده، آن ها را از ضد ارزش ها تمییز دهد. برای نمونه، در آموزه های اسلامی، برای اینکه معنویت به گفتمان غالب در جامعه تبدیل شود، ابتدا، تلاش شده است تا مفهومی گویا و روشن و جامع و کاربردی از آن ارائه شود؛ چراکه ارائه تصویری صحیح از ارزش ها سبب می شود که مخاطبان به ارزش ها میل یابند و بدان بگردند.

علامه طباطبایی رحمته معنویت را «کمالات درونی» انسان (ر.ک: طباطبایی ۱۳۷۴، ۴، ۵۶۷) و شهید مطهری رحمته معنویت را معادل «هر چه درونی و باطنی برای انسان است» (مطهری بی تا، ۱۳، ۳۷۶) می دانند. ایشان جنبه روحی و ملکوتی که انسانیت انسان از آن ناشی می شود را جنبه معنوی انسان می خواند (همان، ۳، ۵۱۵).

معنویت [اصیل]^۲ حالات و صفات روحی برخاسته از معرفت، ایمان، اخلاص در عمل، ارتباط و انس پایدار و عمیق با پروردگار عالم، توجه کامل به شرع شریف و اجرای احکام الهی، فداکاری و مسئولیت پذیری است.

معنویت، حالت روحانیت و سبکی و نورانیت روحی است که امکان تقرب به خدای سبحان را برای انسان فراهم می آورد (ر.ک: حسینی تهرانی ۱۴۲۸ ق، ۲۰۳).

در گام دوم، آگاهی به معرفت عمومی بدل می شود؛ تبدیل یک ارزش به گفتمان تنها با آگاهی و شناخت سطحی کافی نیست؛ بلکه لازم است معرفت عمیق، زنده، پویا و اثرگذار از آن برای جامعه هدف حاصل شود. برای آنکه آحاد جامعه، شناختی ژرف (معرفت) از معنویت بیابند، چاره ای جز تبیین عالمانه منطقی نیست. برای نمونه، مولای متقیان علی علیه السلام

۱. مجموع این مراحل را می توان در حدیث گهربار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یافت. ایشان می فرمایند: «الْفُؤُولُ أُيْمَةُ الْأَفْكَارِ وَالْأَفْكَارُ أُيْمَةُ الْقُلُوبِ وَالْقُلُوبُ أُيْمَةُ الْحَوَاسِّ وَالْحَوَاسُّ أُيْمَةُ الْأَعْضَاءِ؛ عقل ها پیشوایان فکرها و اندیشه ها است و فکرها پیشوایان دل ها و دل ها پیشوایان حس ها (درک کردن و دریافتن) و حس ها پیشوایان اعضاء و اندامها هستند» (مجلسی الف ۱۴۰۴، ق، ۱، ۹۶).

۲. معنویت در فرهنگ غرب از واژه های نوظهور است و مفهومی فراگیر دارد که هرگونه معناگرایی را شامل می شود؛ اما در فرهنگ اسلامی، مفهومی ویژه دارد.

اهل معنویت و یاد خدا را این‌گونه وصف می‌کند و تصویری شوق‌انگیز از ارتباط و نزدیکی با پروردگار ارائه می‌فرماید:

برای یاد خدا اهلی است که ذکر را به‌جای دنیا برگزیده‌اند و هیچ دادوستدی آن‌ها را از یاد خدا باز نمی‌دارد؛ با ذکر او، روزگار خود را سپری می‌کنند و پیوسته درباره حرام‌های خدا به غفلت‌زدگان هشدار می‌دهند. به عدالت امر می‌کنند و خود پای‌بند به آن‌اند و از زشتی‌های بازمی‌دارند و خود گرد آن نمی‌گردند. گویا از دنیا عبور کرده و وارد آخرت شده‌اند و پسا دنیا را مشاهده می‌کنند! (شریف رضی ۱۴۱۴ ق، ۴۳۴).

گام سوم، تبدیل معرفت به باور عمومی است که در پرتو تفکر و ذکر پیامدهای نبود یک گفتمان در جامعه امکان‌پذیر است. محض نمونه، برای اینکه «معنویت» از مرحله معرفت و دانش صرف خارج شود و به باور افراد تبدیل گردد، مقام معظم رهبری مدظله‌العالی به برخی از تبعات فقدان معنویت در جوامع اشاره می‌کند تا مخاطبان را به تفکر وادارد تا مطلوبیت این ارزش را دریافته، آن را با تمام وجود بپذیرند و مطالبه کنند:

آثار نبود و کمبود معنویت در جهان، بلندای نیازمندی جوامع انسانی را به آن آشکار می‌سازد. این جنگ‌ها، استکبارها، ظلم‌ها، شکاف‌های طبقاتی، غارت ثروت ملت‌ها و فقر عجیبی که بر بخش عظیمی از مردم دنیا حاکم است، همه بر اثر نبود معنویت است. این فسادها و احساس پوچی‌ها و هرزه‌گرایی‌هایی که در بین نسل‌های گوناگون انسان در سطح دنیا دارد مشاهده می‌شود، همه بر اثر کمبود معنویت است... [در کشورهای پیشرفته و ثروتمند نیز با وجود] این همه پول، این همه ثروت، این همه علم، این همه فناوری، این همه ریزه‌کاری‌های گوناگون علمی در زندگی بشر، بشر احساس خوشبختی و عدالت و سعادت نمی‌کند و فقر ریشه‌کن نمی‌شود؛ این بر اثر کمبود معنویت است (۱۳۸۴/۳/۲۷).

گام چهارم در گفتمان‌سازی، تبدیل باور به رفتار عمومی با استفاده از ظرفیت اثرگذاری نخبگان و خواص جامعه و ارائه الگوی مناسب است. «مسیریابی چشمه‌ای» راهکاری عملی برای سریان معنویت در جامعه است. این ایده و راهکار را می‌توان برای گفتمان‌سازی در سازمان به‌کار برد که خلاصه آن در این دو ضرب‌المثل گنجانده شده است: «آب سربالایی نمی‌رود» و «آب مسیر خود را پیدا می‌کند». برای نمونه، مقام معظم رهبری مدظله‌العالی برای نهادینه کردن معنویت در سپاه می‌فرماید:

شما می‌توانید این توجه به معنویت را مثل آبخاری در پادگان و در مجموعه خودتان بریزید. از شما باید سرریز شود... باید از قلّه بجوشد و پایین بیاید... شما باید معنویت

۱. إِنَّ لِلذِّكْرِ لَأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا فَامَّ تَسْغَلُهُمْ حِمَاةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْهُ يَفْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ وَ يَتَّبِعُونَ بِالزَّوْجِرِ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَصْحَابِ الْعَالَمِينَ وَ يَأْمُرُونَ بِالتَّقْصِطِ وَ يَأْتِرُونَ بِهِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُنْكَرِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ. [فَكَأْتَمُوا] فَكَأْتَمُوا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ هُمْ فِيهَا فَتَسَاهَدُوا مَا وَزَاءَ ذَلِكَ

را بجوشید تا از شما سرریز و لبریز شود و به دیگران بریزد و دیگران فیض ببرند. اگر این کار را کردید سپاه ساخته و کامل خواهد شد (۱۳۷۷/۲/۱۸).

گام پنجم، تبدیل رفتار به فرهنگ است. یادآوری پیاپی ارزش‌ها و «انقلاب مستمر» در تبلیغ خوبی‌ها راه تبدیل رفتار به فرهنگ است. محض نمونه، برای یادآوری معنویت تا بدل به گفتمان غالب جامعه گردد می‌توان از راهکار واژه‌سازی استفاده کرد، چنان‌که توضیحش خواهد آمد و از تعبیرهایی مانند ارتباط و اتصال قلبی با خدا، انس با خدا، شب‌زنده‌داری، دعا و گریه و انابه و تضرع به درگاه الهی، یا عزم راسخ بر راستی و درست‌کرداری و درست‌اندیشی در کلام، پیام، سخنرانی، دیوارنوشت و... بهره برد؛ و نیز می‌توان زوایای گوناگون معنویت‌زایی را تبیین نمود: بیان جایگاه معنویت در نظام فکری اسلام، تحلیل و تبیین عوامل سایش و کاهش معنویت، بیان راه‌های حفظ و افزایش معنویت، دستاوردهای نهادینه شدن این ارزش در دوران‌های مختلف، بیان عوامل معنویت‌سوز و معنویت‌زا.

۴) راهبردهای گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی

الف) ارائه تعریف واضح، قابل‌درک و کاربردی از گفتمان موردنظر

در هندسه‌ی هر گفتمان، مفهومی محوری و شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط با آنکه در بازشناختن آن مفهوم محوری و ایجاد وجه تمایز با سایر گفتمان‌ها نقش ایفا می‌کنند وجود دارند. برای بازشناسی مفهوم محوری و نیز معانی هم‌تراز، بایستی تصویری واضح با بیانی ساده و کاربردی از آن معانی ارائه گردد. برای نمونه، رسول خدا ﷺ - رهبر الهی جامعه اسلامی - برای اینکه جهاد را با همه مراتبش به گفتمان تبدیل نماید، به تبیین ابعاد آن می‌پردازد. آن حضرت ﷺ به بازگشتگان پیروزمند از نبرد با دشمن می‌فرماید: «مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَضْعَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ». از آن حضرت می‌پرسند: «مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟» ایشان می‌فرماید: «جِهَادُ النَّفْسِ» (حر عاملی ۱۴۰۹، ق، ۱۵، ۱۶۱).

در این بیان، رسول خدا ﷺ تصور و ادراک صحیحی از مفهوم جهاد در اسلام را پیش روی مسلمانان ارائه می‌کند که اولین مفهوم جهاد، مفهومی عام است و منحصر در جنگ با کفار و مشرکان است و مفهوم دوم، جهاد با نفس است که برتر و مهم‌تر از جهاد با کفار و مشرکان است.

ب) واژه‌سازی

یکی از راهبردهای گفتمان‌سازی بهره‌گیری از ترنند واژه‌سازی است. تصور و ادراک افراد از مفهوم با واژه‌هایی که ارائه می‌گردد بسط و عمق می‌یابد. برای نمونه قرآنی،

مفاهیمی همچون «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره، ۱۹۰) و «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره، ۲۱۷)، «فَصَّلِ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ» (نساء، ۹۵) و «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج، ۷۸) را می‌توان از جمله دال‌های گفتمان جهاد در اسلام برشمرد. یکی از چاره‌های پیشبرد این تکنیک، به‌ویژه در مباحث روز، بهره‌گیری از توان کلیدواژه‌ها در سخنان رهبر الهی است (ر.ک: سالاری ۱۳۹۶).
مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در تبیین این تکنیک می‌فرماید:

یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود. هم بایستی «نهادسازی» بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القا می‌کند. لذا، این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد. اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفته شود، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند (۱۳۹۰/۷/۲۲).

ج) نهادسازی

یکی از تکنیک‌های لازم برای گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی در جامعه اسلامی - چنان‌که در بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در کنار راهکار واژه‌سازی آمده است - نهادسازی است. محض نمونه، امر به معروف و نهی از منکر در سبک زندگی رهبر الهی مورد توجه ویژه است، چنان‌که امام حسین علیه السلام در خطبه معروف خود در منا که درباره امر به معروف و نهی از منکر ایراد شده، پس از قرائت آیه شریفه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۱)؛ و مردان و زنان باایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند» فرمود:

فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعَلِمَهُ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَ أُقِيمَتْ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْهَاتَ وَ صَعْبُهَا (حرانی ۱۴۰۴، ۲۳۷). خداوند [در این آیه شریفه، در بیان ویژگی‌های مؤمنان، سخن خود را] از امر به معروف و نهی از منکر - به‌عنوان فریضه‌ای الهی - آغاز کرده است؛ زیرا می‌دانست که اگر این فریضه انجام گیرد و اقامه گردد، همه کارهای واجب - از آسان و دشوار - اقامه خواهند شد.

یکی از راهکارهای گفتمان‌سازی امر به معروف و نهی از منکر، زمینه‌سازی برای بنا نهادن نهادی به نام امر به معروف و نهی از منکر است که دارای چارت سازمانی و برنامه‌ریزی درازمدت باشد.

د) شاخص‌سازی

شاخص به این معانی آمده است: کسی که میان مردم برگزیده و ممتاز باشد، علامتی

که در آفتاب برای تعیین وقت ظهر نصب می‌شود و تیری که از بالای نشان درگذرد (ر.ک: دهخدا ۱۳۷۷، ذیل واژه شاخص). مراد از شاخص در این نوشتار، با توسعه در معنای دوم، به مفهوم هر نوع ملاک و معیار است، چنان‌که می‌گویی: شاخص ما در انتخابات، قانون اساسی است یا شاخص ما در تقلید، مجتهد دارای شرایط است.

بدون شاخص‌سازی، پایش و اندازه‌گیری امکان ندارد. تنها با شاخص و معیار مصوب است که می‌توان وضع موجود را سنجید و فاصله آن با وضع مطلوب را حدس زد و برای رسیدن به وضعیت استاندارد برنامه ریخت.

تأمل در الگوهای رفتاری رهبر الهی، گام نخست فرآیند شاخص‌سازی است. برای نمونه، می‌توان میزان تواضع رهبر الهی به دیگران را شاخص برای سنجیدن درستی یا نادرستی کار خویش قرار داد.^۱ و گام دوم در شاخص‌سازی برای گفتمان‌سازی آموزه‌های سبک زندگی رهبر الهی عبارت است از ارائه شاخص کمی به جای مفاهیم کیفی. هرچند شاخص‌سازی برای مفاهیم کیفی به آسانی ممکن نیست، اما می‌توان میزان پای‌بندی آحاد جامعه به شایستگی‌های دینی را با سنجه‌هایی آماری به دست آورد و برای رسیدن به وضع مطلوب، الگوی مناسب را ارائه نمود و نیز می‌توان از این سنجه‌ها برای تشخیص میزان مشارکت عموم در گفتمان دینی بهره برد و به برنامه‌ریزی پرداخت.

یکی دیگر از مصادیق شاخص‌سازی، معرفی الگوهای برتر به‌عنوان شاخص است، چنان‌که پیامبر گرامی اسلام ﷺ عمار را معیار حق قرار داد؛ پس از هجرت، در جریان ساختن مسجدالنبی در مدینه، عمار با شور و اشتیاق مصالح ساختمانی را جابجا می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ به او فرمود: «تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبُغَايَةُ؛ گروهی سرکش و باغی تو را می‌کشند» (اربلی ۱۳۸۱ ق، ۱، ۱۲۷). وقتی عمار به شهادت رسید، مردم به یاد سخن پیامبر ﷺ افتادند و در لشکر شام تزلزل و تردید رخ داد (طبرسی ۱۴۰۳ ق، ۱، ۱۸۲). هرچند معاویه برای کنترل اوضاع مکر دیگری به کار گرفت، اما واقعیت با وجود این شاخص برجسته بر بلندای تاریخ درخشید. بر همین منوال، معرفی شهدای شاخص، نمونه‌ای از کاربرد تکنیک شاخص‌سازی است.

گونه دیگر از به‌کاربردن ترفند شاخص‌سازی، ارائه شاخص مفهومی برای مفاهیم نابی است که قصد گفتمان‌سازی آن را داریم. این رویه سبب بسط و عمق‌بخشی به مفهومی است که در پی تبیین عالمانه و منطقی آن در جامعه هستیم. برای نمونه، یکی از شاخص‌های ولایتمداری اطاعت‌پذیری و سرسپردگی به ولی خدا است. اطاعت‌پذیری خالصانه در سبک

۱. رسول گرامی اسلام ﷺ، در حقیقت، امر خداوند را امتثال می‌کرد که در میان نیروهای خودی و مؤمنان فروتن باش: «وَ اَحْفِظْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (حجر، ۸۸) و بال عطفوت خود را برای مؤمنان فرود آر.» و «وَ اَحْفِظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء، ۲۱۵)؛ بال محبت و مهرت را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر.» تواضع پیامبر آنچنان بود که روایت شده در مدینه، دختر خردسالی دست پیامبر ﷺ را می‌گرفت و رها نمی‌کرد مگر آنکه پیامبر را به آنجا که می‌خواست می‌برد. (مجلسی ب ۱۴۰۴ ق، ۱۰، ۱۹۹) و این شهر آشوب می‌نویسد: «وَ يَبْدَأُ مَنْ لَقِيَهُ بِالسَّلَامِ؛ و پیامبر ﷺ به هر کس برخورد می‌کرد آغازگر سلام بود» (ابن شهر آشوب مازندرانی ۱۳۷۹ ق، ۱، ۱۴۷).

زندگی رهبر الهی بدین معنا است که فرد ولایتمدار بدون توجیه و سبک و سنگین کردن سود و زیان خود یا تفسیر فرمان به آنچه خود می‌پندارد یا بر آن توجیه دل‌خوش است، تنها در پی پیروی از فرمان ولی خدا باشد، چنان‌که امام صادق علیه السلام کسی را که در پی توجیه سخنان حضرتش برای منافع خود برآمده است، سرزنش می‌کند و می‌فرماید:

وَاللَّهِ مَا أَنَا لَهُمْ بِإِمَامٍ... إِنَّمَا أَنَا إِمَامٌ مِّنْ أَطَاعَنِي؛ به خدا سوگند! من امام این‌ها نیستم... من امام کسی هستم که [بدون تفسیر به رأی] از من پیروی کند (کلینی ۱۳۶۵، ۸، ۴۳۹).

س) حذف گفتمان‌های معارض (پارازیت)

پارازیت‌ها، یعنی عوامل مخلی که یک ارتباط مؤثر را ناکارآمد می‌سازند. این عوامل موانع برقراری ارتباط سازنده در سطح خرد و کلان‌اند. با وجود پارازیت‌ها، پیامی که قرار است طی فرآیند انتقال - با تبلیغ چهره به چهره، سخنرانی، روضه‌خوانی، مشاوره یا تدریس، حلقه‌های دینی، یا با یاری رسانه‌ها، مانند رادیو، تلویزیون، کتاب یا روزنامه یا با طی روند قانونی - آگاهی‌بخش آحاد جامعه باشد، به شکل صحیح و مناسب به ایشان نمی‌رسد. پارازیت‌های گفتمان‌سازی، در واقع، همان گفتمان‌های معارض‌اند. از جمله الزامات گفتمان‌سازی، رصد دائم جامعه و گفتمان‌های معارضی است که در حال شکل‌گیری یا گسترش‌اند. اهمیت این امر از آن‌رو است که برداشتن موانع از سر راه گفتمان‌سازی، نوعی تربیت محیطی و سبب نفوذ گفتمان سبک زندگی رهبر الهی است. برای نمونه، وقتی از معنویت اصیل سخن به میان می‌آید، عرفان‌های نوظهور پارازیت و مانع‌نهادینه شدن معنویت در جامعه‌اند. توضیح سخن آنکه در معنویت اصیل سبک زندگی رهبر الهی، انزوا و رهبانیت نهی شده است. از بیل زدن یک کشاورز در مزرعه گرفته تا چشم‌پوشی از میلیاردها ثروت در راه خدمت به انسان‌ها که نهال‌های باغ خداوندی‌اند، از مطالعه یک سطر دانش برای رسیدن به قوانین واقعی هستی گرفته تا تلاش برای پاسداری از مرزهای ایدئولوژیک نظام اسلامی، از کارگری برای تأمین معیشت و از مدیریت صحیح کارفرما گرفته تا خانه‌داری و بچه‌داری زنی در خانه، همه و همه، با شرط قصد قرب الهی، عبادت معبود یگانه است و سبب افزایش معنویت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عمل به فرمان شب‌زنده‌داری (طه، ۱-۴؛ اسراء، ۷۹) آن‌قدر اهتمام داشت که قدم‌های مبارکش متورم می‌شد (مجلسی الف ۱۴۰۴، ق، ۱۶، ۲۸۸). این مداومت چنان بود که حضور در صحنه‌های بحرانی‌ای همچون جنگ بدر نیز آن‌حضرت را از توجه شبانه به عالم بالا باز نمی‌داشت و بلکه اهتمام حضرت را بیشتر می‌ساخت (ر.ک: دیلمی ۱۴۱۲، ق، ۲، ۲۳۹)؛ باین حال، رهبر الهی با رفتار و گفتار خویش می‌آموزد که رهبانیت و بریدن از دنیا و افراط در عبادت مود تأیید شرع نیست؛ بلکه باید در حال زندگی به ذکر مدام مشغول بود و لحظه‌ای از یاد خداوند غافل نماند، چنان‌که درباره عثمان بن مظعون نقل شده که قصد

بریدن از زندگی و خانواده داشت و پیامبر اسلام ﷺ او را از این کار منع کرد (ابن ابی‌الجمهور احسانی ۱۴۰۵ ق، ۲۹۱-۲۹۲؛ نوری ۱۴۰۸ ق، ۱۴، ۱۵۰-۱۵۱).

ن) انقلاب مستمر

باید توجه داشت که روند انتقال پیام فرهنگی، تدریجی است. قاعده تدریج، افزون بر اینکه به مروّجان فرهنگی فرصت می‌دهد تا در به‌کارگیری روش مناسب با آحاد جامعه دوباره بیندیشند، به مخاطب فرصت بازاندیشی در پیام را می‌دهد. لذا، به‌جای انقلاب یک‌روزه جامعه به جامعه‌ای با آرایه‌های سبک زندگی رهبر الهی، بایستی در پی انقلاب مستمر بود. «انقلاب یک امر مستمر است» (مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۶/۲۵) و انقلاب مستمر به «استمرار در انتقال پیام» برای تربیت دینی به سبک زندگی رهبر الهی است، چنان‌که در قرآن کریم نیز بر استمرار انتقال پیام و بهره‌گیری از طریقه موعظه و پند و اندرز تأکید شده است (نحل، ۱۲۵؛ ر.ک: قائمی‌نیا ۱۳۸۷) و خداوند این روش را به رسول گرامی‌اش ﷺ می‌آموزد و به او فرمان می‌دهد: «مسائل را به آن‌ها یادآوری کن و پند و اندرزشان ده که این امر به حال مؤمنان مفید و مؤثر خواهد بود» (ر.ک: ق، ۴۵؛ ذاریات، ۵۵) و نیز انقلاب مستمر به تقویت «منطق مستحکم انقلاب» است (ر.ک: مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۶/۲۵)؛ تا دشمن قدرت نفوذ در باورهای انقلابی را نداشته باشد؛ و نیز به «استفاده از مشارکت عمومی در خلق پیام» است، به‌گونه‌ای که بسان «دومینو»، هرکسی دیگری را به راه اندازد.

ه) جنگ نامتقارن

گفتمان‌های معارض از ابزارهایی برای تبلیغ باورهای غلط خویش بهره می‌برند که گستردگی دامنه، به‌روز بودن و بهره‌مندی از جاذبه‌های مادی از ویژگی‌های آن است. باین‌حال، مروّجان سبک زندگی رهبر الهی، در این تقابل فرهنگی، از ابزاری برخوردارند که در عین سادگی، بُرّا و گیرا و نافذ است و این ابزارها را دشمن ندارد، مثل رابطه معنوی آحاد جامعه با ولایت. مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی} نمونه‌ای از ابزاری که در دست ماست و آن‌ها ندارند را بیان می‌فرماید:

یک بانوی ترکمن^۱ بدون اینکه من او را بشناسم، نام او را بدانم، به نیابت از این حقیر بلند می‌شود، می‌رود سفر مکه و حج می‌کند و بعد هم این را استشهاد می‌کند - استشهاد کردند، نوشتند و امضا کردند، چند ماه قبل از این برای ما فرستادند - این‌ها آن چیزهایی است که در کشور ما و در ملت ما، آن نقاط قوت حقیقی است. این جنگ نامتقارن که گفته می‌شود معنایش این است که یک‌طرف از یک وسایلی و ابزارهایی

۱. شهید مرجان نازقلجی، شهید شاخص سال ۱۳۹۶.

برخوردار است که طرف دیگر آن ابزارها را ندارد و حتی گاهی نمی‌شناسد. یک مصادفش همین است. این محبت‌ها، این ارتباط‌ها، این هماهنگی‌ها چیزهایی است که طرف مقابل ما - که استکبار جهانی است، صهیونیسم است، آمریکا است - اصلاً این‌ها را نه می‌دانند و نه حتی می‌شناسند و نمی‌توانند تحلیل بکنند؛ برایشان قابل تحلیل هم حتی نیست (۱۳۹۵/۹/۱۵).

با این مثال، می‌توان تعریفی مناسب از جنگ نامتقارن ارائه کرد: در مفاهیم جنگ نرم، اقدام مناسب با گفتمان خودی در سرزمین غیرخودی را جنگ نامتقارن گویند. برای نمونه، کلیدواژه «آتش به اختیار» بودن از سبک زندگی رهبر الهی و از کلام ایشان برداشت شده و دستور به جنگ نامتقارن است. کافی است مصادیق آتش به اختیار به درستی مشخص و ارائه گردد. نمونه‌ای دیگر از جنگ نامتقارن پیاده‌روی اربعین حسینی است که زمینه‌ساز گسترش فرهنگ حسینی و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

نمونه‌ای دیگر از جنگ نامتقارن حماسه‌ای است که شهید «محسن حججی» خلق کرد. وی با قاعده خودی و اصل ولایت‌مداری و ثبات قدم در باور، در زمین دشمن نقش شایسته خویش را به ثمر رساند و شهادت‌طلبی را در جامعه یک‌بار دیگر - و این بار با درکی والا از شهادت و از حماسه کربلا - گفتمان‌سازی نمود. مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در وصف زمینه‌سازی تا شهادت می‌فرماید:

باید فرهنگ شهادت و روحیه شهادت‌طلبی و آن چیزهایی را که به شهادت منتهی می‌شود تقویت کنید. چون شهادت واقعی، آن نیست که ناخواسته به سراغ انسان می‌آید. آن را ما قرارداد می‌کنیم و اسمش را شهادت می‌گذاریم. شهادت آن است که شما سراغش می‌روید. زحمت می‌کشید و تلاش می‌کنید تا به آن دست پیدا می‌کنید. پس مقدمات شهادت نیز جزو آن ارزش‌هایی است که بایستی تأیید بشود؛ این ارزش‌ها و این فرهنگ را تقویت کنید (مقام معظم رهبری ۱۳۸۰، ۶۴).

نتیجه‌گیری

مراد از گفتمان، فراگیری و عمومیت یک مفهوم، معرفت و اندیشه در بین مخاطبان است به‌گونه‌ای که به سبب فضای فکری به وجود آمده، همه در آن فضا بیندیشند، درباره آن با یکدیگر حرف می‌زنند، به آن معتقد شوند و طبق آن رفتار کنند و این رفتار را از هم مطالبه نمایند. مراد از سبک زندگی مجموعه‌ای منظم از رفتارهای برآمده از معرفت‌ها و باورهای اسلامی که عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را در برمی‌گیرد.

در پاسخ به پرسش پژوهش حاضر، گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی، در وهله اول،

نیازمند آگاهی به ارزش‌هایی که رهبر الهی بر آن پای می‌فشارد با تصویرسازی صحیح است. در گام بعدی این آگاهی با تبیین عالمانه و منطقی باید به معرفت عمومی تبدیل شود. گام سوم، تبدیل معرفت به باور عمومی با بهره‌گیری از تفکر و تعقل و اندرزی نیکو و زبانی خوش است؛ و گام پایانی برای آنکه سبک زندگی رهبر الهی به گفتمان روز بدل شود، تبدیل باور آحاد جامعه به رفتار با ارائه و تبلیغ الگوی عملی رهبر الهی و «تبدیل رفتار به فرهنگ» با استمرار و تأکید بر مراحل پیشین و مطالبه‌گری از یکدیگر است.

برخی از راهبردهای گفتمان‌سازی عبارت است از: ارائه تعریف واضح، واژه‌سازی، نهادسازی، شاخص‌سازی، مقابله با گفتمان‌های معارض، انقلاب مستمر و جنگ نامتقارن. مراد از ارائه توضیح واضح، تبیین مفهوم محوری گفتمان با مفاهیم مرتبط و هم‌تراز برای بازشناسی آن مفهوم و ایجاد وجه تمایز با سایر گفتمان‌ها است. مراد از واژه‌سازی، القای مفاهیم جدیدی در جامعه با به‌کارگیری واژه‌های متناسب و پرهیز از واژه‌های بیگانه است. مراد از نهادسازی، ایجاد نهادی به نام گفتمان موردنظر در چارت سازمانی و برنامه‌ریزی درازمدت برای آن است. مراد از شاخص‌سازی، ارائه شاخص کمی به جای مفاهیم کیفی و بهره‌گیری از سنجه‌ها برای تشخیص میزان مشارکت عموم در گفتمان‌سازی و برنامه‌ریزی برای آن است. مراد از مقابله با پارازیت، رصد دائم جامعه و حذف گفتمان‌های معارضی است که در حال شکل‌گیری یا گسترش‌اند. انقلاب مستمر عبارت است از به‌کارگیری روشی مناسب برای استمرار گفتمان با هدف فرصت‌بخشی به مخاطب برای بازاندیشی در پیام. جنگ نامتقارن عبارت است از بهره‌گیری از ابزار خودی - با ویژگی‌های سادگی، بُرایی و گیرایی و نافذ بودن - در زمین غیرخودی، مثل بهره‌گیری از رابطه معنوی آحاد جامعه با ولایت برای بسط گفتمان ولایتمداری در سرزمین دشمن.

نگارنده پیشنهاد می‌کند که درباره عناوین ذیل تحقیق و مقاله نگاشته شود:

- روند گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی در فضای مجازی؛
- روند گفتمان‌سازی سبک زندگی دینی در جامعه؛
- اثربخشی گفتمان سبک زندگی رهبر الهی در پایه‌گذاری تمدن نوین اسلامی؛
- راهکارهای همه‌گیر شدن اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر سخنان رهبر معظم انقلاب مدظله العالی).

منابع

۱. ابن ابی‌الجمهور احسانی، محمد بن زین‌الدین. ۱۴۰۵ ق. عوالی اللثالی. قم: سیدالشهداء.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. ۱۳۷۹. مناقب آل ابی طالب (ع). قم: علامه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ ق. لسان العرب. چ ۳. بیروت. دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۴. اربلی، علی بن عیسی. ۱۳۸۱ ق. کشف الغمه فی معرفة الائمة. تبریز: بنی‌هاشمی.
۵. آریان‌پور، عباس و منوچهر. ۱۳۸۵. فرهنگ انگلیسی به فارسی. چ ۶. تهران: جهان‌رایانه.
۶. انوری، حسن. ۱۳۸۱. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
۷. پارسا، محمد. ۱۳۸۳. زمینه نوین روان‌شناسی. چ ۲۰. تهران: بعثت.
۸. جعفری، زهرا. ۱۳۸۹. «روش تحلیل گفتن‌مان». کتاب ماه علوم اجتماعی ۱۴ (۲۵): ۶۴-۷۵.
۹. حرّانی، حسن بن علی بن شعبه. ۱۴۰۴. تحف العقول. تحقیق علی‌اکبر غفاری. چ ۲. قم: جامعه مدرسین.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البت (ع).
۱۱. حسینی تهرانی [علامه]، سید محمدحسین. ۱۴۲۸ ق. امام‌شناسی [چ ۹]. مشهد: علامه طباطبایی.
۱۲. خامنه‌ای [مقام معظم رهبری]، سید علی. ۱۳۸۰. عطر شهادت در کلام ولایت. تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. دیلمی، حسن بن محمد. ۱۴۱۲ ق. إرشاد القلوب إلى الصواب. قم: شریف رضی.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۷۸ ق. المفردات فی غریب القرآن. تهران: المكتبة المرتضویة.
۱۶. سالاری، محمد مهدی. ۱۳۹۶. «جایگاه واژه‌سازی و نهادسازی در تأسیس تمدن بزرگ اسلامی». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=23036>.
۱۷. شریف رضی، محمد بن حسین. ۱۴۱۴. نهج البلاغه. تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.
۱۸. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۱. همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی). قم: معارف.
۱۹. شوشتری‌زاده، شهناز. ۱۳۸۲. بررسی تأثیر آموزش رفتارهای سلامتی بر تغییر روش زندگی مبتلایان به بیماری عروق کرونر قلب مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های منتخب شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۲۰. طباطبایی [علامه]، سید محمدحسین. ۱۳۷۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی. ۱۴۰۳ ق. الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: مرتضی.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۳۷۵. مجمع البحرین. چ ۳. تهران: مرتضوی.
۲۳. فاضلی، محمد. ۱۳۸۲. مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق.

۲۴. قائمی‌نیا، محمدرضا. ۱۳۸۷. «روش تربیتی تذکر در قرآن کریم»، دوفصل نامه تربیت اسلامی، ۴(۶): ۵۷-۹۲.
۲۵. قجری، حسینعلی و جواد نظری. ۱۳۹۲. کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان.
۲۶. کاویانی، محمد. ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. کرباسیان، قاسم. ۱۳۹۶. «گفتمان». پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام. فرهنگ علوم اسلامی و انسانی. دسترسی در: <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=45811>.
۲۸. کلانتری، عبدالحسین. ۱۳۹۱. گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی. تهران: جامعه‌شناسان.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۵. الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. مجلسی، محمدباقر. الف ۱۴۰۴ ق. بحار الأنوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار. بیروت، مؤسسة الوفاء.
۳۱. مجلسی، محمدباقر. ب ۱۴۰۴ ق. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. محسنی، محمدجواد. ۱۳۹۱. «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف». معرفت فرهنگی اجتماعی ۳ (۱۱): ۶۳-۸۶.
۳۳. مطهری، مرتضی. بی تا. مجموعه آثار. برگرفته از نرم افزار مجموعه آثار شهید مطهری رحمته الله علیه. علوم کامپیوتری نور.
۳۴. مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۸۷. دین و سبک زندگی. چ ۲. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۵. نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۴۰۸ ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.